

فرستند و در عقب میرفت تا رسیدند بعضی دعا کردند که ای خدای مود و مکر و سورت
ای گوید ما را با این دعا برای ما را تا آید ای بس حق تعالی سپار ما را بر او دستاویز
بسیار و کی سخن و آنکی سیاه و او از این سخن و نه کلام می باید قبول کند که گفتند از سبب
را با این بسیار می باشد از آن قبول کردم و از این سخن و نه کلام می باید قبول کرد و بر ملای خدای
تعالی را که حضرت بار بوسه و دعا گفته کرد از آن ابرو بر خدای تعالی بولاست ایشان بسیار
مشا و شد که با این پند که کن ما را دعا قبول شد و زبان شنید و طبعه بود و بر کش
که اینک با این آمد تو ای کشتی بلا خدا پدید آمد و جی آمد که بگوئی که این ملای حق تعالی است با و
در وی ملای خدای تعالی است بس حق تعالی و می فرستد و بجا و عظیم که در زمین چهارم
می باشد پس بیرون آمد مقدار سوراخ بی فرازش و فرستگان که با هم کلنگه کنند الهی
این با و حمد وی زمین را بملک خواهد کرد و جی آمد با و که با و مقدار سوراخ اکثری
بیرون ای بود و جی آمد خط کش و نمود مؤمنان در میان آن باشد بفرمان خدای تعالی
از آن با و جوش در آمدی و جی ضرر جوشانی نرسیدی و بر سر جان با و بر سیدی بس
دعا گفته شدی عاویان بس بلند و بقوت بودند سورتان وزن و وزن خود را در
که در آورده اند و بر سر دره صفت زده که با و را که داریم تا و را پدید کوفتی که کلنگه از آن
بود پیش وی آمد و گفت ای عاویان ایان از خدای تعالی گفت ای مود آن چه است که

و جاد آورده

در میان با و می آیند و قوم را بملک کردند مود که آن شتران است بک فرستگان خدا
نهیان گفت جاد و بیاد است من با آن می آمم و در برابر داشت و بر زمین زد و بملک
کرد و ما را ای شتران شتر بملک شد و در نزد که با آن آورده بود از آنکه آمد و خبری گفت مؤمنان
نشاندند و تعینشان ز یاد شد و ضعیف من و توان است که جان و دل بظلم و باطن
احیای اسلام قبول کنیم تا زمان با بشیم این قصه را از تفسیر میسره آورده شد **فزعون**
آن کا فزعون که خدای کرد **و قیله** و آنکس که پیش از وی بود و در سن
قبل از آن خوانده اند و این چهار است جمیع و کسی است و معنی وی اینست که و آنکس
که از روی بود و در پی وی بود **و الله یفصکات** و در جمعی از روایت کرده
شده و نکوسا کرد در شرح معنی دهیها و شترهای قوم لوط الا شکر بر کشن و در روز
شدن معنی فزعون و این کاوان دیگر آورده اند **بالمخاطب** خطه و گفته اند که آوردن
مخاطبه مصدر و قبیل الا فعال ذات الخطاب و جادش و جاد آورده شد **فصصون**
بسی فرمائی کرد **و فزعون** فزعون فرستاده شده برورد کارش **فاحذرنم**
بسی که فشتان خدای تعالی **احذرنم** که رفتی سخت و غالب و زیاد شود
الرب فزعون شدن قوم فزعون را خدای تعالی طبعه حق که چون سخن موسی علیه السلام
که سایر جنهای تعالی بودند شنیدند و ایمان نیارده اند و قوم لوط را برین فرود چون سخن